



University of Tehran Press

Academic Librarianship and Information Research

Online ISSN: 2783 - 4638

Homepage: <https://jlib.ut.ac.ir/>

From Umm al-Qura of Islam to the Neoliberal City (The Transformation of Social Space in Tehran since the 1990s)

Mansour Tabiee¹ | Nadie Rezaei² | Omid Mansouri³

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Economy, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran. E-mail: mtabiee@rose.shirazu.ac.ir
2. Ph.D. in Economic Sociology and Development, Department of Sociology, Faculty of Economy, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran. E-mail: rezaeinadi@gmail.com
3. Ph.D. Candidate in Economic Sociology and Development, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: omidmansouri14@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Introduction: This article seeks to examine the development of capitalist relations after the revolution in Iran by mediation of the principles of the neoliberal political order. To achieve the desired results, the production of Tehran's urban space has been studied in the three decades of 1990, 2000 and 2010.
Article history: Received 18 March 2022 Received in revised form 10 June 2022 Accepted 16 June 2022 Published online 25 June 2022	Theory Model: From a theoretically have been used Lefebvre's theory of government and space production as well as Gertsel's idea of political order. Methodology: Lefebvre's regressive-progressive methodology has been a model of historical attitude for the genealogical study of this issue.
Keywords: Political Order of Neoliberalism; Production of Space; Regressive- Progressive Methodology; Tehran City; Theology of Capital.	Finding and Results: Each of these decades have acted in a special way in the project of capitalization of the urban space and as a result of the living space of the metropolis of Tehran. An attempt has been made to obtain the rules governing this planning and production space. In the 1370s, policy-making trends returned to the same urban governance style as the comprehensive plan of the city of Tehran in 1348 (1969), and the trend of developing of culture of use- value in social life. The distinguishing feature of this decade is the introduction of free market attitude to urban policy-making. In the 80 (2000)s facilitating the circulation and stabilization of capital became the main concern through the expansion of highways and high-rise construction. All of these developments lead to the formation of new lifestyles, making life more expensive in Tehran and as a result, the need to promote new life patterns through consumption prophets, i.e. celebrities. The 1990s is the arena of celebrity-oriented life and prominence in Tehran.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



©

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>

از ام القرای اسلام تا نئولیبرالیسم شهری: (گذار فضای اجتماعی تهران از دهه ۱۳۷۰ تا امروز)

منصور طبعی^۱ | نادیه رضایی^۲ | امید منصوری^۳

۱. استادیار، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mtabiee@rose.shirazu.ac.ir
۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: rezaeinadi@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: omidmansouri14@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:

الهیات سرمایه،
روش‌شناسی
پیشروندی-
پسروندی، تولید
فضا، شهر تهران،
نظم سیاسی
نئولیبرال

مقدمه: این مقاله در پی بررسی تکوین مناسبات سرمایه‌داری پس از انقلاب در ایران با میانجی‌گری اصول نظم سیاسی نئولیبرال است. برای نیل به نتایج مدنظر، تولید فضای شهری تهران، در سه دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شمسی محل مطالعه قرار گرفته است.

الگوی نظری: به لحاظ نظری، از نظریه دولت و تولید فضای لوفور و نیز ایده نظم سیاسی گرتسل بهره برده شده است.

روش‌شناسی: روش‌شناسی پس‌روندی-پیش‌روندی لوفور، جهت بررسی تبارشناسانه این مسأله الگوی نگرش تاریخی بوده است. هرکدام از این دهه‌ها به شکلی خاصی، در پروژه سرمایه‌دارانه‌سازی فضای شهری و در نتیجه فضای زیسته کلانشهر تهران عمل کرده‌اند.

یافته‌ها و نتایج: تلاش شده است، قواعد حاکم بر این فضای برنامه‌ریزی و تولید فضا به دست آید. در دهه ۷۰ روندهای سیاست‌گذاری، به همان شیوه حکمرانی شهری طرح جامع شهر تهران در سال ۱۳۴۸ بازمی‌گردد و شرایط نهادینه‌شدن نظام فرهنگی حول ارزش مبادله شکل می‌گیرد. وجه تمایز این دهه، ورود نگرش بازار آزادگرایانه به سیاست‌گذاری شهری است. در دهه ۸۰، تسهیل گردش و تثبیت سرمایه با گسترش بزرگراه‌ها و بلندمرتبه‌سازی تبدیل به دغدغه اصلی شده است. تمام این تحولات منجر به شکل‌گیری سبک‌های زندگی جدید، گران‌سازی زندگی در تهران و در نتیجه ضرورت تبلیغ الگوهای زندگی جدید از طریق پیامبران مصرف، یعنی سلبریتی‌ها می‌شود. دهه ۹۰ شمسی، عرصه زندگی برجسته‌شدن سلبریتی‌محوری در تهران است. از این‌نظر شهر تهران نه تنها تبدیل به کلانشهر الگوی ایرانی-اسلامی نشده است، بلکه تجلی‌بخش الهیات سرمایه‌داری مبتنی بر اصول نظم سیاسی نئولیبرالی شده است. به نظر می‌رسد بازار همزمان نظامی اخلاقی است که الهیاتی دارد و در شکل متأخر آن حول مدیریت و مصرف مفصل‌بندی می‌شود. یکی از نیروهای به ظاهر متضاد، اما معنابخش به این روند الهیات شیعی بوده است که با ایجاد فضایی معنوی حول بازار، اصول نظم سیاسی نئولیبرال تقدس و معنا بخشیده است. الهیات نوعی چشم‌انداز است که از این نظر با شکل دنیوی‌شده آن در عصر نئولیبرال، یعنی مدیریت اشتراکی عمیق دارد. از این‌روست که در این سه دهه همزمان با انفجار مفهوم و انواع مدیریت از حیث اداره خدمات شهری مواجه هستیم. انفجار مفهومی که گذار از محوریت دولت در خدمات‌رسانی به بازار را روشن می‌سازد؛ زیرا در این نظم حکومت دولت باید جای خود را به حکمرانی شرکت‌ها بدهد؛ زیرا شرکت‌ها اتمسفر مدیران‌اند.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

طرح مسئله

زاکانی شهردار تهران، در نخستین گردهمایی شهرداران نواحی تهران، عنوان کرد: «تهران کلانشهر جهان اسلام یک شعار نیست بلکه یک چشم‌انداز است زیرا اکنون تهران وضعیت مناسبی برای الگوبودن ندارد.» (خبرگزاری مهر، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲). در کنار این اظهارنظر در سندی که امضای ایشان را دارد، سند تهران کلانشهر/الگوی جهان اسلام ۱۴۰۰-۱۴۰۴ تهیه شده است که در آن توصیفی از «وضع موجود» و تصویری از «وضع مطلوب» ترسیم شده است. این تصویر از قرار مبتنی بر «الگوی نوین حکمرانی مردمی برای ایجاد تحول در شهرداری تهران» است که در متن آن چنین آمده است:

«بازآمایش شهری و استفاده حداکثری از مردم و نخبگان براساس سازوکار رقابت بین محله‌ای (براساس نقش‌پذیری منطقه‌ای و شهری) در تهران، مبتنی بر رشد استعدادها و بکارگیری ظرفیت‌های انسانی و بهبود کیفیت زندگی با محوریت خانواده در بستر مساجد و مراکز اثرگذار اجتماعی» (سند تهران کلانشهر الگوی جهان اسلام ۱۴۰۰-۱۴۰۴، ۱۴۰۰)

سند مذکور در همین راستا رویکردهایی مدیریتی مطرح کرده است که عبارتند از «عدالت‌مداری؛ محله‌محوری؛ تخصص‌گرایی و تعامل سازنده با موثران شهر تهران؛ شایسته‌سالاری؛ فسادستیزی؛ مشارکت‌پذیری و هوشمندسازی». حال آنکه اهداف کلان این سند حاوی نکات برجسته‌تری است: سلامت، رفاه عمومی و ارتقا فرهنگی و ایمانی شهروندان؛ ارتقا سرمایه اجتماعی؛ تحول و پیشرفت تهران؛ الگوسازی کلانشهر اسلامی- ایرانی. این سند مفصل‌بندی بین مشارکت‌پذیری، عدالت‌محوری، دیانت و رقابت‌پذیری و شایسته‌سالاری رقم خورده است که درنهایت قرار الگوی کلانشهر ایرانی- اسلامی را پس از دهه‌ها فعلیت ببخشد. دغدغه این مقاله نیز ریشه در روند تاریخی همین تحقق دارد، منتهی از این حیث که چرا علی‌رغم چنین تأکیداتی، به‌جای تبدیل کلانشهر تهران به الگویی برای الهیات شیعی، تبدیل به فضایی برای فعلیت الهیات سرمایه شده است؟

در این مقاله نیز در پی بررسی نسبت دولت و سرمایه در تولید فضای اجتماعی ایران پس از انقلاب هستیم و پرسش این است که بدانیم سرمایه اجتماعی دینی حاکمیتی که مدعی حکومت اسلامی است در این نسبت به چه نحوی عمل کرده است؟ آیا ایده‌هایی مبتنی بر الهیات شیعی داشته که آن‌ها در تولید فضای شهری فعلیت ببخشند یا به‌نحوی دیگر عمل کرده است؟ این پرسش در حکمرانی شهری در تهران محل تبارشناسی قرار می‌گیرد و تولید و توسعه شهری در این کلانشهر را بر مبنای برنامه‌های سازمان‌های ذی‌ربط، خصوصاً شهرداری از نظر گذرانده می‌شود. روزگاری قرار بود شهر تهران، تبدیل به ام‌القرای اسلامی یا پایتخت جهان اسلام شود، حال پرسش اساسی تولید

فضای شهری و ممکن شدن این ایده یا ناممکن شدن آن است. به نظر می‌رسد که برای پاسخ به این پرسش در پی سرنخ‌هایی در قواعد حاکم بر حکمرانی شهری بود که آن را می‌توان نظم سیاسی نامید. از نظر نگارندگان این مقاله، این نظم سیاسی در دوران پس از جنگ، توانسته است به‌نحوی بر شیوه‌های حکمرانی شهری اثر بگذارد که نخبگان و تصمیم‌گیران و حتی شهروندان تهرانی بپذیرند که تنها از طریق اصول آن می‌توان شهر را سامان داد. این مقاله تبار این اعتماد را در برنامه‌های شهرداری تهران پیگیری خواهد کرد تا بتواند به پرسش‌هایی که مطرح هستند تا حد امکان پاسخ دهد. از نظر این مقاله، سیطره نظم سیاسی نئولیبرال بر شیوه حکمرانی شهرداری منبع اصلی این اعتمادپذیری در دوران سه دهه‌ای شهرداری تهران و حتی کل کشور بوده است. این نظم تحقق الگوی کلانشهر ایرانی- اسلامی را نیز نوید داده است. اما اکنون این پرسش مهم در نسب با سخنرانی اخیر شهردار تهران مطرح است که چگونه چشم‌انداز تهران به مثابه الگوی کلانشهر ایرانی- اسلامی چنین می‌نماید که باید ایشان تهران از چشم‌انداز بودن آن در برابر شعاربودن‌اش دفاع کند؟ این درحالی است که در تاریخ ایران برخلاف اروپا، آمریکای شمالی و لاتین^۱ هرگز مسجد یا حوزه علمیه به نفع بازار فضای سیاسی را ترک نکرده و مدعی بوده که توان حکمرانی در کنار آن را دارد. منظور از بازار نوعی منطق و نظام اخلاقی است، نه مکان فیزیکی به تعبیر سنتی که نهاد دین در ایران همواره پیوندی وثیق و گسترده با آن داشته است. این نوع بازار را هایک، نظم انتزاعی قواعد عام رفتار بشر می‌داند (هایک (۱)، ۱۳۹۲).^۲ او این نظم را برای تمایز از تعبیر مکانمند، «کاتالاکسی» می‌نامد که بیشتر آن را نوعی بازی می‌داند (هایک (۲)، ۱۳۹۲). وجه الهیاتی بازار ریشه در همین تعبیر دارد که اصول نئولیبرالیسم در سرمایه‌داری متأخر آن‌ها را فعلیت می‌بخشد.

پیشینه پژوهش

آثار مهمی به مسأله فضاهای شهری در ایران و مشخصاً در تهران پرداخته‌اند که در اینجا صرفاً به تعدادی از آن‌ها پرداخته خواهد شد که به لحاظ ایده‌ای به ایده این مقاله نزدیکتر بوده و ضمن گفتگو با آن‌ها می‌توان موضوع را دقیق‌تر کندوکاو کرد.

^۱ در این باره رجوع شود به دو اثر بسیار مهم درباره تحولات دین در نسبت با سیطره نئولیبرالیسم در این قاره‌ها که به همت گوتیه و مارتیکاین و همکاران (۲۰۱۳) و مارتیکاین و گوتیه و همکاران (۲۰۱۳) ویرایش کرده‌اند.

^۲ رجوع کنید به سه جلدی قانون، قانون‌گذاری، آزادی هایک (۱۳۹۲) که مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد ترجمه کرده‌اند. همچنین رجوع کنید به مقاله غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)/اخلاق از دیدگاه هایک، نشریه نقد و نظر، شماره ۲ و ۳

در این زمینه، آثاری کلاسیک وجود دارند. برای مثال، بیات گام‌هایی اساسی برای توضیح نسبت انقلاب ۵۷ و جمعیت تهی‌دست شهری برداشت. از دیدگاه او، «مقولهٔ «تهی‌دست» یک مفهوم اقتصادی نیست و در درجهٔ اول به هویتی فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد» (بیات، ۱۳۹۱: ۵۴). پروژهٔ وی بیش از هر جایی به شهر تهران پرداخته است، اما نه کلیت شهر، بلکه شهر از منظر مناطق تهی‌دستان شهری.

از سوی دیگر، ستاری در *اسطورهٔ تهران* (۱۳۸۵) آزمون بازنمایی^۱ نقش شهر تهران در رمان ادبی معاصر را در پیش گرفت. استعارهٔ اسطوره^۲ وجهی برساخت‌گرایانه دارد. نگاه ستاری به شهر در لحظه‌ای^۳ قرار می‌گیرد که نه لحظهٔ زیستندگان شهر است و نه لحظهٔ اندیشه‌ورزان یا سیاست‌گذاران آن. این لحظه، لحظهٔ ایماژ/ تخیل^۴ یا تصور/ دریافت^۵ شهر است. در چنین لحظه‌ای، نویسنده قصه‌ی جز توصیف وضعیت ندارد.

حبیبی (۱۳۸۷) در پروژه‌ای بومی‌تر با عنوان *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر)*، با بررسی ابداع مفهوم شار در مکتب اصفهان و پیگیری تحولات تاریخی آن، به دگرگونی مفهوم و فرم آن پرداخت و درنهایت به مفهوم مدرن شهر رسید. حبیبی تهران را «شهر بی‌چهره» نام نهاد و توضیح داد که تهران به «مسئله-شهر» بدل شده است: «شهری که نه در پی تحول سازمان تولیدی کشور، بلکه در پس شکل‌گیری جامعهٔ مصرفی تولد یافته است.»

ذیل نظریهٔ ام‌القرای نیز مبینی (۱۳۹۵) تلاش کرده تا الگویی ایرانی- اسلامی از دل الگوی مدیریت جهادی برای تحقق ام‌القرای جهان اسلام استخراج کند. او مبنای نظری این الگو را رهبر جمهوری اسلامی و شیوهٔ مدیریت عدالت‌خواه و سلطه‌ستیز او را قرار داده است. از این‌رو بر آن است که فقط مدیریت جهادی در تقابل با مدیریت غربی می‌تواند به واقعیت‌بخشی به ام‌القرای جهان اسلام موفق باشد. اما مانند تمام مباحث این گروه، همه‌چیز غیرواقعی و انتزاعی است.

کلانتری و وفقی برآنند که تبدیل‌شدن تهران به شهری جهانی تناقضی با ام‌القرای بودن آن ندارد و «باوجود محدودیت‌هایی نسبت به اقتصاد کاملاً آزاد، توانایی ایفای نقش به‌عنوان گره و نقطهٔ ثقل

¹. Representation

². Myth

³. Moment

⁴. Image/ imagination

⁵. Conceive

اقتصادی در منطقه را خواهد داشت.» (کلانتری و وفقی، ۱۳۹۴) به نظر می‌رسد که آن‌ها تصور روشنی از تحولات شهری در تهران ندارند، از این‌رو عملکرد بازار آزادگرایانه در این شهر را دست‌کم گرفته‌اند. این درحالی است که اسکندری‌نسب و دیگران و خانی (۱۳۹۳) بر تضادهای مفهومی و تخالف‌های ام‌القرای اسلامی در تهران و شهر جهانی تأکید دارند. ضمن آنکه رضایی (۱۳۹۷) نیز تلاش کرده است، پیشرفت‌های شهرسازی در ایران را باوجود شکست‌ها در این زمینه بررسی کرده است. او مهمترین پیشرفت‌ها در ایران از سال ۱۳۷۰ تا دههٔ نود را «پیاپاده‌سازی»، «توجه به معماری شهری» و تلاش برای «افزایش مشارکت مردمی» و به‌کارگیری نیروی متخصص و کارآمد می‌داند.

ضمن آنکه قاسمی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پی اصولی برای تحقق الگوی ایرانی- اسلامی بوده‌اند که محورهای آن، نیازهای زیست‌محور، تفریح‌محور، فرهنگ‌محور و معنای‌محور و نیز اصول محتوایی شامل عدالت، محله‌محوری، مسجدمحور و پرهیز از انواع مزاحمت‌ها و... بوده است. عشریه و همکاران (۱۳۹۹) نیز در جستجوی یافتن محورهای تحقق الگوی اسلامی- ایرانی در تولید فضای شهری، در فلسفهٔ اسلامی، مشخصاً فلسفهٔ ملاصدرا بوده‌اند که محورهای آن، توجه به اجتماع در عین توجه به فرد، اجتماعی‌بودن سرشت انسان، فیثوف‌بودن حاکمان و... بوده است. این رویکردها تجویزی بوده و آنچه از دل قواعد حاکم بر نظم سیاستگذاری حاکم است، استنتاج نمی‌شوند.

رفیع‌پور (۱۳۹۲ [۱۳۷۶]) در توسعه و تضاد، به نقد تحول در نظام ارزشی در ایران می‌پردازد. او برآن استف پس از سال ۱۳۶۸ و در پی حرکت نظام سیاستگذاری به‌سوی «توسعهٔ اقتصادی»، ارزش‌های اجتماعی پس از انقلاب، تحول پیدا کرده و به سطح نظام ارزشی پیش از انقلاب نزدیک شده است. او دو عامل اساسی را در این زمینه مهم می‌دارند؛ نخست گسترش نابرابری و سپس، اقدامات در راستای ارزش‌آفرینی برای ثروت و نکوهش فقیر. او در این‌باره می‌نویسد:

«گفتیم که امام خمینی (ره) در هنگام و ابتدای انقلاب، ثروت و نابرابری را با نام «طاغوت»، به ارزش منفی تبدیل کرده بودند و در بیانات خود مشخصاً «کوخ‌نشینان» را بر «کاخ‌نشینان» ارجح می‌دانستند. با تغییر سیاست بعد از ۱۳۶۸ که روند (به‌اصطلاح) «توسعهٔ اقتصادی» در پیش گرفته شد، سرمایه از اهمیت (ارزش زیاد) برخوردار شدند و ملاک و میزان ارزیابی‌ها، معیارهای اقتصادی و عادی گشت.» (رفیع‌پور، ۱۳۹۲ [۱۳۷۶]: ۱۹۹).

همانطور که گفته شد، رفیع‌پور چرخش به‌سوی توسعهٔ اقتصادی را عامل این تغییر ارزش یا ایجاد تضاد ارزشی در ایران می‌داند. او به تحولات در سیاستگذاری توسعه را ذیل نظم سیاسی نتولیرالیسم

صورت می‌پذیرد را مدنظر قرار نمی‌دهد. این درحالی است که این پژوهش تحولات بعد از سال ۱۳۶۸ را به‌عنوان چرخش به‌سوی نظم سیاسی نئولیبرال می‌نامد.

از طرف دیگر، دربارهٔ نسبت الهیات و لیبرالیسم یا جامعهٔ مصرفی که البته این دو این‌همان نیستند، بلکه قرابتی تاریخی باهمدیگر دارند و امروز به‌قدری درهم‌تنیده‌اند که به‌راحتی نمی‌توان میان آن‌ها تمایزی قائل شد، دو اثر به ویراستاری گوتیه‌ر و مارتیکانن و همکاران (۲۰۱۳) و مارتیکانن و گوتیه‌ر و همکاران (۲۰۱۳) اهمیتی ژرف دارند. آن‌ها تلاش کرده‌اند در این دو مجموعه مقاله، وضعیت دین در جوامع مختلف از آمریکای شمالی و لاتین گرفته تا اروپا را در نسبت با اقتصاد سیاسی و شیوه‌های حکمرانی (مارتیکانن و گوتیه‌ر و همکاران، ۲۰۱۳) و نیز قواعد حاکم بر آن در جامعهٔ مصرفی نئولیبرال (گوتیه‌ر و مارتیکانن و همکاران، ۲۰۱۳) بررسی کنند.

مهمترین ایده‌هایی که این مجموعه مقالات مطرح می‌سازند مربوط به تحولات دین مسیحیت در نسبت با نئولیبرالیسم و شیوه‌های حکمرانی موجود در جغرافیای آن است. از سوی دیگر، مطالعات میدانی این گروه که بیشتر رویکردی نهادگرایانه دارند، نشان می‌دهد که بندیسیم، مدیریت‌گرایی و معنویت‌گرایی شکل‌های درهم‌تنیدهٔ دین، مصرف‌گرایی و شیوه‌های حکمرانی اقتصاد سیاسی نئولیبرالیسم است. اما نکتهٔ مهم این است که آن‌ها چندان به نسبت این تحولات در جهان غیرمسیحی نپرداخته‌اند. هرچند شاید بتوان الهاماتی از آثار ایشان گرفت، منتهی در جهان اسلام و مشخصاً ایران شیعی، برخلاف جهان مسیحیت که کلیسا تحت تأثیر فرآیند سکولاریزاسیون نقش مشخص و کم‌رنگی در سیاست و سیاستگذاری و حتی فرم‌های حکمرانی دارد، دین عمیقاً در عرصهٔ عمومی، سیاستگذاری و حکمرانی فعال است. از همین نظر است که معنویت‌گرایی که شکل تنزل‌یافتهٔ دین در عصر مصرف‌گرایی و نئولیبرالیسم است (بوریتی در مارتیکانن و گوتیه‌ر و همکاران، ۲۰۱۳)، چندان امکان حضور و سیطره نیافته است. در جوامع اسلامی، خاصه ایران، دین هنوز حضوری نیرومند دارد. برای مثال، یکی از چالش‌های کلیسا در آمریکای جنوبی، کاهش عایدات دولتی آنان است، این درحالی است که سازمان‌های دینی در ایران، هرساله بودجهٔ مشخصی برای فعالیت دارند یا وقف نهاد دین را همواره متمول و به‌لحاظ اقتصادی اثرگذار نگاهداشته است. از این‌رو این پژوهش در گفتگویی با این مجموعه آثار در پی ردگیری تحولات شهری در تهران ذیل نظم سیاسی نئولیبرال است.

الگوی نظری

نظریه‌پردازان و متفکران راست‌گرا هنگامی که دربارهٔ تجربهٔ سرمایه‌داری و شکل‌گیری نهادهای مدرن در غرب بحث می‌کنند به آثار متفکرانی چون لاک، هیوم، مونتسکیو یا دو توکویل و... ارجاع می‌دهند و بی‌واسطهٔ تجربه‌های تاریخی، تطبیقی میان آنان و سیاستمداران و روشنفکران ایرانی ایجاد می‌کنند (غنی‌نژاد، ۱۳۹۹). آن‌ها معیار را ایده‌ها و اندیشه‌ها قرار می‌دهند، بدون آنکه توجه کنند که این ایده‌ها ریشه در وضعیت‌های تاریخی دارد. از این‌رو بدون توجه به دخالت آمریکا و انگلستان در کودتای ۱۳۳۲، منازعه را از وجه ایده‌های متفکران فوق‌الذکر به بحث مصدق و محمدرضاشاه برده و نتیجه می‌گیرند سیطرهٔ بی‌چون‌وچرای دولت بر مناسبات بازار در ایران، هرگز امکانی برای گسترش لیبرالیسم فراهم نیاورده و از این‌رو تاریخ این کشور مملو از اندیشهٔ چپ‌گرایان یا حداکثر «مصدق‌های چپ» است.^۱ آن‌ها تجربهٔ واقعی جوامع در نظام جهانی سرمایه‌داری را نادیده می‌گیرند. جایی که برای توسعهٔ سرمایه‌داری همواره نقش دولت‌ها اهمیت ژرفی داشته است و در کشورهای غیر از آمریکا و انگلستان، توسعهٔ سرمایه‌داری، همواره دولت‌محور بوده است (بی. مارکس، ۱۳۹۹).

برهمن اساس، در انگلستان و ایالات متحده، این بورژوازی بود که دولت تشکیل داد و این امر موجب شد تا نوعی سنت دموکراسی منحصربه‌فرد در این کشورها شکل گیرد، به‌شکلی که دولت و سرمایه‌آشتی نسبی و تنش کمتری داشته و کار برای عملکرد و همدستی سرمایه‌داری و تولید فضای سرمایه‌دارانه راحت‌تر باشد. پس از این تقدم تاریخی و این امتزاج، در میان این طیف، فرانسه قرار دارد که در آن بورژوازی و دولت جدید، در نتیجهٔ یک انقلاب روی کار آمدند و این امر همراه کنشگری نیروهای اجتماعی دیگر نیز بود. اما «بورژوازی [موقتاً] منافع خود را به منافع همه تعمیم داد.» (مارکس، ۱۳۸۸: ۷۵). از این نظر است که فرانسه کشور کلاسیک مبارزهٔ طبقاتی است. اما آنچه در این نظریهٔ لوفور که از وجه منطق تاریخی به نسبت مذکور می‌پردازد، اهمیت دارد، سر دیگر طیف است که در تجربهٔ کشورهایی چون آلمان، روسیه/ شوروی، چین و برای ما ایران رخ داده است، اهمیت دارد.

«در تمام این کشورها... رشد اقتصادی، به‌طور فزاینده‌ای به‌وسیلهٔ دولت رخ می‌دهد و دولت محرک رشد اقتصادی است... و درنهایت به کشورهای توسعه‌نیافته می‌رسیم که تأسیس دولت مقدم بر رشد اقتصادی است... در کشورهایی که دولت مقدم بر رشد اقتصادی است، بگذارید بگویم کشورهایی که همه‌گی توسعه‌نیافته‌اند... همه‌چیز منوط به آنانی است که دولت را در دست دارند، به

^۱ رجوع کنید به مناظرهٔ غنی‌نژاد با درخشان در برنامهٔ «جهان‌آرا» و مصاحبهٔ مسعود نیلی با سایت آزاد دربارهٔ «آیندهٔ ایران» که در سایت با آدرس www.Azad.ir دسترس‌پذیر است.

این سبب است که خود دولت و آپاراتوس دولت، بدل به سایت محل تنازع مبارزات اجتماعی می‌شود و خطری روی می‌نماید: آن خطر، شکل‌گیری نوعی بورژوازی است که بورژوازی تجاری یا سوداگرانه نیست، بلکه قسمی بورژوازی است که مستقیماً به آپاراتوس دولت متصل است، یعنی نوعی بورژوازی بروکراتیک که می‌توان گفت نوعی فرماسیون اجتماعی کاملاً جدید است.» (لوفور، ۲۰۰۹: ۵۸-۵۹)

پس بورژوازی بروکراتیک شکلی از بسط و تکوین بورژوازی‌ای است که در تجربه‌هایی خاص از قلمروگستری سرمایه در سطح کره‌ای رقم خورده است. این نوع بورژوازی نیز باید دست به تولید فضای اجتماعی بزند و می‌توان نگرش به موضوع مدنظر را با مبحث تولید فضای لوفور دقیق‌تر کرد. هر اجتماع و به تبع آن هر شیوه تولیدی، با زیرمجموعه‌هایش فضای مقتضی^۱ خاص خود را تولید می‌کند. مقتضی بودن فضا دلالت بر وضعیتی معنامند دارد که در آن، انسان‌ها فضا را در تملک خود، و خود را در قلمرو آن می‌دانند (لوفور، ۱۹۹۱: ۳۷). فضای مقتضی، فضایی برای زیستن است. مانند تمام پراکتیک‌های اجتماعی، پراکتیک فضایی نیز درست پس از آنکه مفهوم‌پردازی شود، زیسته می‌شود. انسان قادر نیست صرفاً با کلمات زندگی کند. معنامندی در خلال توانایی هویت‌سازی، روایت تاریخی و زبان مشترک (اوژه، ۱۳۹۳: ۱۳۵)، در قاموس فضای اجتماعی به وجود می‌آید. از این‌رو فضای مقتضی، فضایی هویت‌محور است که باید زبان مشترک و روایتی تاریخی پشتوانه آن باشد (باشلار، ۱۳۹۲). این مقاله، از میان سه‌گانه یا لحظات سه‌گانه تولید فضای لوفور، بر لحظه اندیشیده یا بازنمایی‌های فضایی متمرکز است.

بازنمایی‌های فضایی، فضای مفهوم‌پردازی‌شده، فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان، اوریانیست‌ها، تقسیم‌کنندگان زمین، دیوان‌سالاران یا کاغذبازها، مهندسان اجتماعی و نیز فضای دسته‌ای از هنرمندان است که ذوق علمی دارند؛ همه آن‌هایی که آنچه را زیسته و درک شده، با آنچه تصور شده است، یکی می‌دانند. این فضای مسلط هر جامعه (یا شیوه تولید) است (لوفور، ۱۹۹۱: ۳۸-۳۹).

از سوی دیگر، این نظریه، نگاهی جدید را به مطالعه تاریخ می‌گشاید. توجه به وجه فضاهای بازنمایی، درواقع توجه به روابط قدرت و مفصل‌بندی آن در مناسبات اجتماعی و روابط تولید در هر دوره تاریخی را از نو بازسازی می‌کند. از این‌رو نظم سیاسی‌ای برای بازنمایی فضایی بر تولید فضا سیطره پیدا می‌کند، اهمیتی ژرف دارد. این مفهوم چندان پیچیده نیست و در اینجا به‌طور خلاصه دلالت آن مطرح می‌شود. در این باره گرستل می‌نویسد: «هر نظم سیاسی تناقضات و تضادهای

^۱. Appropriate

ایدئولوژیکی را درون حوزه‌هایی که باید کنترل کند، در بر می‌گیرد: نظم نئولیبرال نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از این تضادها تاکنون مطرح شده است: [تضاد] میان آنانی که نئولیبرالیسم را به‌مثابه استراتژی نخبگان جهت قواعد رشد می‌بینند و آنانی که آن را راهی به‌سوی رهایی شخصی می‌دانند. دیگری ریشه در همزیستی دشوار دو چشم‌انداز اخلاقی اساساً متفاوت درون نظم نئولیبرال در نحوه نیل به زندگی خوب است.^۱ (گروستل، ۲۰۲۲: ۱۲). این تضادها و تناقضات برای جامعه ایرانی نیز آشناست، منتهی نکته آن است که باوجود چشم‌اندازهای بعضاً متضاد و متناقض میان گروه‌های اجتماعی- سیاسی و حتی طبقاتی مختلف، میانجی نیل به توسعه در نظامی جستجو شده است که می‌توان آن را نیز نئولیبرال نامید.

روش‌شناسی

گوندرفرانک در جستجوی چشم‌اندازی بدیل به مناسبات غرب و بقیه و من‌باب نقد اروپامحوری نظریات نظریه‌پردازان نظام/ اقتصاد جهانی، نکته روش‌شناختی تاریخ‌نگارانه مهمی را مطرح می‌سازد که الگوی کلی این مقاله نیز هست. او تذکر می‌دهد که «هرگز تلاش نکنید از آغاز بی‌آغازید. فرآیندهای پژوهش تاریخی روبه عقب‌اند، نه روبه جلو... بگذارید مسائل شما را به پس رهنمون سازند.» (گوندرفرانک، ۱۹۹۸: ۵)

برهمن اساس، این پژوهش روش‌شناسی پسروندی- پیشروندی را الگوی خویش قرار داده است. «این روش واقعیات امر حاضر^۱ را نقطه آغاز قرار می‌دهد» (لوفور، ۱۹۹۱: ۶۵). این روش بر سه روند استوار است:

الف) توصیف^۲: مشاهده‌ای که با تجربه و نظریه‌ای کامل شکل گرفته است؛

ب) تحلیل پسروندی^۳: تحلیل واقعیت با تلاشی که برای مقایسه ساخته شده است و قرار نیست به گزاره‌های مبهم فروغلتد؛

پ) خاستگاه تاریخی^۴: مطالعه جرح‌وتعدیل ساختارهای دو مرحله پیشین از طریق تحول و وابستگی آن‌ها به ساختارهای عام‌تر؛ طبقه‌بندی صورت‌بندی و ساختارها در نسبت با فرایندهای عام

¹. The present

². Description

³. Analytico-regression

⁴. Historico-genetic

و تلاش از طریق توضیح و تشریح برای بازگشت به امر حاضر (کاوفمن و لباس به نقل از لوفور، ۲۰۰۰: ۹).

پس در جست‌وجوی خاستگاه‌ها از طریق پس‌روند، به‌طرزی تبارشناسانه عمل می‌شود. چنین تبارشناسی‌ای بازگشت به خاستگاه یک مفهوم و توضیح نسبت‌ها، تغییر مسیرها و پیوندهای امر مطالعه‌شده است. از این‌رو تبار آن‌ها با رویه‌های تکوین تاریخی‌شان ترکیب می‌شود. این رویه‌های تکوین تاریخی، به امور انتزاعی و کلی تاریخ عام جامعه و فلسفه متصل هستند. پیش‌روند، حرکت مخالفی است که با امر حاضر آغاز می‌شود و آنچه را در آینده ممکن و ناممکن است، ارزیابی می‌کند. (کاوفمن و لباس به نقل از لوفور، ۲۰۰۰: ۹). به‌لحاظ تکنیکی نیز این مقاله از تحلیل اسناد، تحلیل تحلیل‌ها یا تحلیل ثانوی استفاده خواهد کرد.

یافته‌های پژوهش

تحولات سیاستگذارانه پس از جنگ

درست پس از جنگ بود که نظام حاکم، گذار از وضعیت اضطراری به وضعیت عادی را با گرایش به سیاست‌هایی جدید در پیش گرفت. هاشمی رفسنجانی دربارهٔ این تحولات از نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۶۰ می‌گوید: «همه قبول داشتیم که باید به طرف خرابی‌ها و سازندگی برویم. من فکر می‌کردم که سیاست تمرکز دولتی کارایی ندارد، به سراغ سیاست تعدیل ساختاری رفتیم.» (هاشمی در مصاحبه با حمیدیان، ۱۳۸۰: ۱۰۴) هاشمی رفسنجانی به‌سبب نفوذی که در تمام ارکان حاکمیت داشت، مهمترین فیگوری بود که می‌توانست این سیاست‌ها را با کمترین مخالفت اجرا کند. او قبل از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهور، رئیس مجلس بود و پس از آن نفوذ خود را بر آن نهاد حفظ کرده بود و ارتباطی عمیق با دیگر ارکان حاکمیت، ازجمله بیت رهبری داشت. او نمونهٔ مشخص سیاستمدار «اعتدالی» بود. یعنی سیاستمداری که قصد دارد تضادها را آشتی دهد (رجوع کنید به ریکور، ۱۳۹۴: ۲۴۳). لذا هدف او سازندگی و استراتژی‌اش اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی یا تعدیل ساختاری بود.

آنچه از سال ۱۳۶۸ به بعد رخ داد ریشه در تحولاتی داشت که از اواسط دوران جنگ تحمیلی آغاز شده بود. در همان سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳، دانش‌آموختگان مکتب نیاروان تحرکات خود را برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلان اقتصادی - سیاسی آغاز کرده بودند (اباذری و پرنیان، ۱۳۹۴). آن‌ها صندوق برنامه و بودجه را به‌دست گرفته بودند. این صندوق بعدها بدل به معاونت ریاست

جمهوری شد (آمویی، ۱۳۸۸) و می‌توان گفت که از پرنفوذترین موقعیت‌های^۱ سیاستگذاری در ایران بود. تسخیر این موقعیت، خود تسخیر برنامه‌ریزی توسعه در ایران بود. ذیل همین تحولات بود که سیاست‌های شهری شهرداری‌ها هم تغییر کرد و اصول بازار آزادگرایانه بر آن‌ها حاکم شد. پس از این تحولات بنیادی در ایده سیاستگذاری جمهوری اسلامی بود که تمام ارکان اجرایی نیز باید تغییر می‌کردند. به‌نحوی که فرآیند پاداش و تنبیه در تمام وجوه براساس معیارهایی تعیین می‌شد که نیروی خود را از اصول بازار آزاد می‌گرفتند.

سیطره این نظم سیاسی بر نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی، هرگز اجتناب‌ناپذیر نبود، منتهی قربات انتخابی میان سیطره جهانی آن از دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی در جهان و غلبه متفکران و روشنفکران و سیاستگذاران معتقد به اصول این نظم و نیز بحران پس از جنگ که به‌سبب فروپاشی شوروی، هژمونی سیاستگذاری دولت‌محور را تضعیف کرده بود، موجب ضروری‌پنداشتن آن شد. از آن پس فعلیت‌بخشیدن به اصول این نظم تبدیل به اساس سیاستگذاری در تمام ارکان محلی، شهری، منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی جمهوری اسلامی شده است، مگر آنکه قواعد و موانع بین‌المللی در وجوهی مانع این اصول شده باشند. از جمله این موانع پذیرفته‌نشده ایران در برخی کنوانسیون‌ها یا معاهدات بین‌المللی، مانند سازمان تجارت جهانی است.

سیاستگذاری شهری تهران به روایت شهرداری و برنامه توسعه شهری

آغاز تغییرات در تولید فضای شهری تهران در دهه ۷۰: تشدید سیطره ارزش مبادله در شهر

ذیل همین تحولات سیاسی-اقتصادی موسوم به بازار آزادگرایی بود که در سال ۱۳۶۸، قانون پیشتر تصویب‌شده «خودکفایی شهرداری‌های کلانشهرها» اجرا شد. از تصویب قانون خودکفایی شهرداری‌های کلانشهرهای کشور در سال ۱۳۶۲ و اقدام برای اجرای آن در سال ۱۳۶۸ تاکنون بیش از سه دهه می‌گذرد. در این قانون تأکید شده است که شهرداری‌های کلانشهرهای کشور و ازجمله شهر تهران، موظف به تأمین امور مالی خود هستند. از این‌رو، بنا به مصوبات مجلس درباره این قانون، هرساله باید از بودجه دولتی شهرداری‌ها کاسته شده و نسبت درآمدی آنان به‌نفع خودکفایی سنگینی کند (گزارش شهرداری تهران، ۱۳۷۰).

در سال ۱۳۷۱، مصوبه دیگری به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید (ضوابط و مقررات منطقه‌بندی مسکونی شهرها به مجتمع آپارتمانی، چندخانواری و تک‌واحدی) که طبق آن بخش‌هایی از شهر تهران که دارای تراکم کم یا متوسط بودند نیز به این فرآیند وارد شدند. ضمن اینکه پیش از

^۱. Sites

آن، یعنی در ۲۴ دی ۱۳۶۹، «ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلندمرتبه‌سازی» به تصویب رسیده بود و بخش‌های با تراکم زیاد به پروسه مد نظر وارد شده بودند (اسناد و اطلاعات شهرداری تهران: ۱۳۸۹).

شهرداری تهران از سال ۱۳۷۰ تاکنون، هرساله گزارشی از عملکرد سازمان ارائه داده که حاوی ایده‌ها و اقدامات و استراتژی‌های آن در سیاست‌گذاری شهری است. در پیشگفتار گزارش سال ۱۳۷۰، آمده است که «شهرداری تهران همواره با تنگناهای اقلیمی و مطرح‌بودن مسائلی همچون افزایش جمعیت، مهاجرت از روستاها و شهرستان‌ها به مرکز، ترافیک، آلودگی هوا و صدا و همچنین ساختمان‌سازی خارج از ضوابط مواجه می‌باشد.» (کارنامه شهر تهران در سال ۱۳۷۰، شهرداری تهران، ۱۳۷۱: ۹) درواقع این طرح مسأله شهرداری تهران در آن سال تعیین‌کننده بود که اقدامات مربوط به «سازندگی» تحت تأثیر حاکمیت دولت جدید به همین نام آغاز شده بود.

شهرداری در این راستا چند استراتژی را در دست اقدام قرار داد که بعدها اساس سیاست‌های کلی آن قرار گرفت. برای نظارت بر فرآیند ساختمان‌سازی بی‌رویه و... توجه فزون‌تری به ماده‌ای موسوم به «ماده صد» در دستور کار قرار گرفت. ماده صد، نخست در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به تصویب شهرداری رسید. طبق لایحه اصلاحی سال ۱۳۵۸، «مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده خدماتی باید قبل از ساخت‌وساز از شهرداری‌ها پروانه ساختمانی بگیرند و شهرداری موظف است از عملیات‌های ساختمانی بدون پروانه یا خلاف پروانه به‌وسیله ماموران خود در زمین محصور یا غیرمحصور جلوگیری کنند.» (لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۸: ۱۵۸) منتهی تفاوت امر در دهه ۶۰ شمسی در این بود که سیاست جلوگیری از ساخت یا رفع تخلف، تبدیل به «پرداخت جریمه» شد. این تغییر در نظم سیاسی نئولیبرال طبیعی است و در تهران مفری برای تراکم‌فروشی گسترده شد. جریمه‌ای کردن تخلفات را می‌توان ذیل «فرهنگ آزادسازی اقتصادی» فهمید، فرهنگی که طی آن می‌توان هر تخلفی را با پرداخت جریمه آن «غسل تعمید» داد.^۱

طبق داده‌ها در سال ۱۳۷۰، ۱۸ هزار و ۶۱۵ پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری تهران فرستاده شده است که نسبت به سال ۱۳۶۹، به میزان ۱۹ درصد افزایش داشته است. به جدول زیر بنگرید:

جدول شماره ۱: آمار مقایسه‌ای اداره امور اجرایی کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰

۱. به تبدیل جرم به تخلف در نظام قضایی یا حتی پیشنهاد ستاد امر به معروف و نهی از منکر در مسأله حجاب در نتیجه جنبش «زن، زندگی، آزادی» توجه کنید که مدعی بودند با تبدیل جرم به تخلف مسأله این جنبش را حل خواهد کرد.

دوره	پرونده‌های واصله از مناطق	آرا صادره از کمیسیون‌ها	پرونده‌های منتهی به صدور نظریه	پرونده‌های دریافتی از دیوان عدالت اداری	پرونده‌های دریافتی از دادگستری و دیوان عالی کشور
سال ۱۳۶۹	۱۵۰۷۰۲	۱۲۳۵۰	۹۶۶	۱۱۸۸	۳۶۷
سال ۱۳۷۰	۱۸۶۱۵	۱۷۵۱۲	۱۲۲۵	۳۷۲	۲۷
درصد تغییرات	۱۹	۲۲	۳۰	-۷۷	-۹۰

منبع: کارنامه شهر تهران در سال ۱۳۷۰، ۱۳۷۱: ۷۱

این تحولات که بعدها تغییرات گسترده‌تری می‌یابد به منبعی حیاتی در تأمین بودجه شهرداری تهران تبدیل می‌شود. به‌نحوی که طبق گزارش معاونت شهرسازی و معماری تهران، از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱، ۱۸۵ هزار و ۵۶ واحد پروانه ساختمانی در کلان‌شهر تهران صادر گردیده است. حدود ۶۷ درصد مساحت بنای ساختمانی این پروانه‌ها به مناطق شمالی یک تا هفت اختصاص داشته است. ۴۵٫۲ درصد تعداد و ۶۴٫۵ درصد مساحت آن پروانه‌ها از نوع پروانه تخریب و نوسازی و ۳۳ درصد تعداد و ۲۶٫۸ درصد مساحت آن‌ها از نوع نوسازی بوده است. نسبت پروانه‌های تخریب و نوسازی در اواخر این دوره به بیش از دوسوم کل پروانه‌های ساختمانی در این کلانشهر رسیده است. در طی این دوره، حدود ۱۱۷ هزار و ۲۸ واحد پروانه حاوی تراکم مازاد ساختمانی (۶۳٫۲۴ درصد کل پروانه‌ها) صادر شده است. طبق جداول، بیشترین مساحت و نسبت تراکم مازاد ساختمانی این پروانه‌ها، به ترتیب به مناطق پنج (۱۲٫۸ درصد)، یک (۱۲٫۱ درصد) و دو (۱۱٫۷ درصد) اختصاص داشته است که دارای اراضی و فضاهای باز و ارزش افزوده بسیار در تولید مسکن بودند (گزارش معاونت شهرسازی و معماری تهران به نقل از کمانرودی کجوری: ۱۳۹۳: ۷۰).

این روند در نسبت رشد مناطق مسکونی در شهر تهران دقیق‌تر نشان داده می‌شود. طبق گزارش «مهندسین مشاور آتک» در سال ۱۳۷۱ و نتیجه‌ای که شهرداری شهر تهران از تغییرات کاربری مسکونی شهر تهران در سال ۱۳۸۱ داده است، مساحت کل بنای مسکونی از ۱۳۱ میلیون و ۷۷۰ هزار و ۲۵۶ متر مربع در سال ۱۳۷۰ (گزارش مهندسین آتک: ۱۳۷۱) به حدود ۱۷۹ میلیون و ۱۳ هزار و ۸۱۸ متر مربع در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است (گزارش شهرداری: ۱۳۸۱). این ارقام نشان می‌دهد، نرخ رشد کاربری اراضی در شهر تهران در دوره مذکور ۳۵٫۸۵ درصد رشد داشته است. این نرخ رشد در مناطق مختلف متغیر بوده است (از حداقل ۵٫۲۰ درصد در منطقه ۶ تا حداکثر ۷۳٫۴۶ درصد در منطقه ۵).

از سوی دیگر، چشم‌انداز شهرداری در برنامه‌ریزی تهران ۸۰ (تهران ۲۰۰۱) جهت ارتقای «حیات شهری» به شرحی است که از این قرار است: «رسالت شهرداری باید ارائه خدمات بهتر به موازات جلوگیری از گسترش بی‌رویه فضای فیزیکی شهری باشد و به صورت اجمالی می‌توان به برخی از فعالیت‌های هفت‌ساله شهر تهران مانند احداث ۲۲۰ دهانه پل و زیرگذر، ۱۲۰ کیلومتر تقاطع غیر همسطح، ۳۰۰ کیلومتر معبر و بزرگراه، ۲٫۵ میلیون متر مربع بناهای عمومی شهر، ۵۰ میلیون متر مربع ساختمان در قالب ۳۵۰ هزار واحد مسکونی، بیش از ۵۰۰ پارک شهری و ۲۰ هزار هکتار جنگل کاری و احداث بیش از ۱۳۰ مرکز فرهنگی و صدها طرح فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود.» (پیشگفتار کارنامه شهرداری در سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۶)

حال آنکه گزارش‌ها نتایج دیگری را ارائه می‌دهند. طبق آمارهای جدول، به‌طور کلی در طول دهه ۷۰، رشد کاربری تجاری بیش از چشم‌انداز مورد انتظار بوده است. گزارش شهرداری نشان‌دهنده این است که «مساحت کاربری تجاری کلانشهر تهران در سال ۱۳۸۰ از سقف پیشنهادی سال ۱۳۷۵ طرح جامع، حدود ۱۳۱٫۶۶ درصد رشد داشته است. این رشد، بیشتر از تغییر کاربری‌ها، خصوصاً تغییر کاربری مسکونی به کاربری تجاری در مناطق مرکزی ناشی شده است» (گزارش شهرداری، ۱۳۸۱). تراکم‌فروشی و صدور پرائه ساخت، رویه‌ای برای کسب درآمد هنگفت شهرداری بود.

شهرداری در همان سال ۱۳۷۵، آغاز به بهره‌برداری از ۱۵ پل بزرگ می‌کند که می‌توان گفت که اتفاقی جدید در شهر تهران است که دغدغه اصلی آن تسهیل حمل‌ونقل یا دقیق‌تر تسهیل گردش سرمایه در شهر است. در سال ۱۳۷۹، شهرداری تهران به صورت تلویحی به شکست برنامه‌های رفاهی، زیست‌محیطی و تمرکززدایی خویش اقرار می‌کند و در راستای آن اهدافی ششگانه را طراحی می‌کند که از این‌قرارند: شهر پاک؛ شهر روان؛ شهر سبز؛ شهر با فرهنگ غنی؛ شهر پویا؛ شهر با بافت مطلوب. شهرداری این اهداف را برای تحقق آنچه به‌زعم خویش به اصطلاح «حیات شهری» می‌داند و در دنیا نیز رایج شده بود، با اهمیت می‌داند. از این‌رو دست به تأسیس شرکت‌هایی برای عملی‌ساختن اهداف خویش می‌کند که شرکت کنترل شرکت «ساماندهی صنایع مشاغل»، «شرکت کنترل ترافیک»، «شرکت عرف ایران»، «شرکت خدمات اجتماعی و رفاهی تهران» و... (کارنامه شهرداری تهران در سال ۱۳۷۹، ۱۳۸۰).

این روندها نشان‌دهنده حرکت تصمیم‌گیری شهری در تهران به‌سوی نوعی «شرکتی‌سازی» خدمات شهری است. از سوی دیگر، در کل این دهه، شهر به بستری برای متابولیسم سرمایه تبدیل شد. ماده صد، تراکم‌فروشی و خسارت‌های ناشی از تخلفات را بدل به یک ضرورت اقتصادی در

برنامه‌ریزی بودجه شهرداری کرد. ساخت پل‌های زیرگذر- روگذر و بزرگراه‌ها و... بیش از هر چیز در خدمت گردش سرمایه و تسهیل آن بود و در نهایت آنکه بخشی از اهداف ششگانه شهرداری در سال ۱۳۷۹، در قالب برنامه پنجساله شهرداری، در خدمت زیبایی‌سازی استراتژیک برای طبیعی‌سازی تقدیس ارزش مبادله بود. درواقع، حیات شهری و گردش سرمایه، چنان به هم گره خوردند که در «ناخودآگاه رویاپردازی» ساکنین و سیاستگذاران بعدی شهر تهران، شکافی میان آن دو وجود نداشت. نتیجه این وضعیت گران‌سازی بیش از پیش تهران بوده است. این روند با برون‌سپاری که شکلی از مدیریت شهری در راستای خصوصی‌سازی خدمات شهری است، توأم بود. وفور مفهوم مدیریت شهری و تولید شرکت‌های وابسته به اقتصاد حیات شهری، قرار بود این ایده‌ها را واقعیت بخشند.

تهران دهه ۸۰: هر آنچه بزرگتر، بهتر

شهرداری تهران در دهه ۸۰، بیش از همیشه خدمات خود را به رویه‌های مختلف خصوصی می‌کند. داده‌ها نشان می‌دهند که شهرداری در این دوران با ادامه و گسترش استراتژی برون‌سپاری، به صورت پیمانی به پژوهشگران خصوصی سپرده شده تا درباره سرفصل‌های اصلی سیاستگذاری شهری این سازمان، ازجمله نوسازی بافت‌های فرسوده، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مدیریت آب و... به پژوهش بپردازند. درواقع پژوهشگران از این پس مستخدمان شهرداری هستند که درآمد هنگفتی هم دریافت کرده و کم‌کم شایستگی علم تحت تأثیر کالایی‌شدن پژوهش محاسبه‌پذیر می‌شود. در همین سال، شهرداری بابت پژوهش در زمینه مد/خله برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر، بیشترین هزینه را کرده است که ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است (کارنامه شهرداری تهران، ۱۳۸۵: ۳۰). نتیجه این هزینه هنگفت تراکم‌فروشی گسترده و رواج بلندمرتبه‌سازی بود.

پس از تغییرات سیاستگذارانه در دهه ۷۰، به دلیل پدیده تراکم بیش از پیش قدرت و ثروت در تهران، این شهر بیش از پیش گسترش پیدا کرد و جمعیت و سرمایه را در خود انباشت کرد. تهران دهه ۸۰ شمسی باید در سطح سیاستگذاری و مدیریت شهری، این جمعیت را سامان‌دهی می‌کرد. اگر به آمارنامه شهرداری تهران در سال ۱۳۸۰ بنگرید، متوجه خواهید شد که شهرداری با اهداف ششگانه سال ۱۳۷۹ جدید را آغاز می‌کند. دهه ۸۰ کماکان تداوم سیاست‌های اصلی دهه پیش بود. برای مثال روند شرکتی‌سازی خدمات عمومی شهرداری، با قوت و حدت فزون‌تری تداوم یافت. طبق گزارش آمارنامه شهرداری در سال ۱۳۸۰، تقریباً تمام خدمات حمل‌ونقل و عابر پیاده در شهر را به شرکت‌هایی چون عرف (علائم راهنمایی و فنی ایران)، شرکت کنترل ترافیک تهران، شرکت

حمل و نقل کالای تهران (پیک بادیا)، شرکت وانت سرویس، شرکت راه آهن شهری تهران و حومه و... واگذاری شد (آمارنامه شهرداری تهران، ۱۳۸۱: ۸۰-۱۱۲). از این پس مردم به عنوان مشتری خدمات سازمان‌هایی تلقی می‌شدند که این شرکت‌ها ذیل آن تأسیس شده بودند.

شکل اصلی توسعه شهر در این دهه بلندمرتبه‌سازی و احداث بزرگراه بود. این امر نشان می‌دهد که الگوی اصلی توسعه در شهر تهران، کماکان رویای شهر بزرگ و تاریخ تمدن عصر پهلوی دوم را دارد؛ زیرا این رویای طرح جامع شهر تهران، تألیف ۱۳۴۸ بود. نظام حکمرانی شهری، از این نظر تداوم سیاست‌های شهری دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی بود، منتهی با اصول سیاستی جدید. این بار آن رویا را باید با نام بخش خصوصی محقق می‌کردند؛ اما این بار نام کلانشهر الگوی ایرانی-اسلامی را گرفته است. حتی سازمان‌های مختلف ذی‌ربط دولت نیز در قالب شرکت‌هایی خصوصی دست به ساخت و ساز مدنظر کردند. نتیجه این امر خصوصی‌سازی فضاهای شهری و گران‌سازی بیش از پیش تهران بود.

آنچه که تهران پس از دهه ۷۰ شمسی رخ داده است، نه تنها در فرم با فرآیند توسعه پیش از انقلاب همسان است، بلکه در راستای تداوم آن نیز قرار دارد. منتهی نه از خلال استراتژی موجود در نظم سیاسی کینزی، بلکه در نظم سیاسی نئولیبرالی. طرح جامع اول تهران پیش از انقلاب، در دهه ۴۰ در انداخته شده بود که مهمترین بخش آن پروژه «شهستان پهلوی» بود (رجوع کنید به طرح جامع شهر تهران: ۱۳۴۸). این طرح در اراضی عباس آباد قرار داشت که بنا به روایتی، ساخت برج میلاد نیز بخشی از آن بود. همزمان با گسترش بزرگراه‌ها و ساختمان‌های بلندمرتبه که در دهه ۸۰ به اوج خود رسید، پروژه‌های بزرگ دیگری نیز آغاز شده بودند. برج میلاد یکی از این پروژه‌های بزرگ بود. توسعه ایران همواره معطوف به طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ بوده است و در این امر تفاوتی میان توسعه پیش و پس از انقلاب نیست.

برج میلاد نماد توسعه شهری در ایران و مشخصاً تهران به عنوان پایتخت جهان اسلام، پس از انقلاب است. توسعه‌ای که وجوه آن را می‌توان در معماری‌اش شناخت. ایده این بنا در اوایل دهه ۷۰ جان گرفته بود و از ایده تا تولید شدن حدود ۱۷ سال طول کشید. البته کلید خوردن پروژه تا افتتاحیه حدود ۱۱ سال به طول انجامید (پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲). نام برج تلمیح دارد. تلمیح در واقع صنعتی شاعرانه در به کار بردن کلماتی است که دو معنا دارند و معنای دورتر مدنظر شاعر است. اما معنای دورتری نیز در این نام نهی هست که در وجه کارکردی المان‌های معمارانه آن تجلی یافته است و تفسیر استعاره نگارندگان را تأیید می‌کند.

چندمنظورگی این برج که از بخش اداری تا رستوران و مرکز خرید و حتی دکل مخابرات را در بر می‌گیرد، به معنای ظهور فضایی است که قادر است همه نیازها را به صورتی همه‌جانبه تامین کند و نیز نماد تولید نیاز باشد. این امر دهه بعد در مگامال‌ها در مناطق متوسط روبه بالا و مرفه تهران تبدیل به اصل اساسی فضاهای مصرف شد. از این رو چنین فضاهایی امیال ساکنان شهری را درستکاری کرده و میل آن‌ها را کنترل می‌کند. میلاد به تثبیت سبک زندگی مصرفی و نیز ورود تمام و کمال زندگی پایتخت اسلام به عصر نولیبرالیسم است.

ارتفاع، فرم فالوس‌وار و کاربری این برج نماد خواست توسعه به‌طور کلی و توسعه شهری به‌طور خاص، به عنوان فرم اصلی زندگی در ایران است. این نوع توسعه «جاه‌طلبانه، مردانه و مصرفی» است. برج میلاد، به عنوان بیان این خواست، محملی است که گذار از سیطره ارزش مبادله به ارزش بازنمایی را در زندگی اجتماعی و توسعه شهری نشان می‌دهد. ارزش بازنمایی مبتنی بر تلاش برای تمایز از طریق مصرف سبک زندگی خاصی است، به نحوی که این سبک زندگی خود را بر دیگران تحمیل کند.

جدول شماره ۲: توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر شهر تهران برحسب وضع شغلی به تفکیک

مناطق ۲۲ گانه ۱۳۸۵

سال	جمع	کارفرما	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌گیر بخش خصوصی	کارکن فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق‌گیر بخش عمومی	سایر و اظهار نشده
۱۳۷۵	۱۰۰	۶,۲۲	۲۲,۵۸	۲۶,۲۷	۰,۴۵	۴۰,۷۳	۳,۷۵
۱۳۸۵	۱۰۰	۱۰,۸۶	۲۱,۲۶	۳۲,۵۷	۰,۵۸	۳۲,۸۶	۱,۸۷

این تغییرات حاکی از آن است که جابجایی نیروی کار، بخشی مشمول تعدیل ساختاری بوده است و بخشی مشمول انتقال به مزدگیران بخش خصوصی بوده است که در سال‌های مذکور، از ۲۶,۲۷ درصد به ۳۲,۵۷ درصد افزایش یافته است. این امر نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های خصوصی‌سازی در حال تغییر الگوی شغلی در شهر تهران بوده است که به تبع آن در کل ایران حاکم بوده است. ساخت فضاها و الگوهای زندگی در تهران دهه ۸۰ نیز مبتنی بر توسعه نئولیبرال بوده است که فالوس‌وار، مردانه و ضد عدالت اجتماعی بوده است. تمام این‌ها در حالی است که سند جامع شهر تهران (۱۳۸۶) بر آن است که تهران باید تبدیل به شهری شود که الگوی ایرانی-اسلامی جهان باشد (اصل یکم چشم‌انداز توسعه شهر تهران، ۱۳۸۶).

تهران در دهه ۹۰: مال‌ها، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سیطره مصرف و ارزش بازنمایی

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، از کل هزینه‌های خانوارهای شهری در کشور در سال ۱۳۹۸، ۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان با سهم ۷۵٫۲ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. طبق همین گزارش، هزینه کل یک خانوار در تهران، بیش از ۷۲ میلیون تومان بوده است (سایت مرکز آمار، ۱۳۹۸). درحالی که چنانچه یک نفر از اعضای خانواده در تهران با حقوقی حدود ۵ میلیون تومان کار کند، کل درآمد سالانه آن خانوار ۶۰ میلیون تومان خواهد بود. این به معنای هزینه بالای زندگی در تهران است که فشار زیادی را بر بخش اساسی از جمعیت تهران که شامل طبقات متوسط، متوسط روبه پایین و پایین شهر می‌شود. با این وجود سبک زندگی در تهران، به سبب تحولات تولید فضای شهری در دهه ۹۰ مبتنی بر تولید نیاز و نمایش است.

تهران دهه ۹۰، در راستای همان اصول مدیریتی و چشم‌اندازی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تداوم یافته است، منتها با حفظ همان اتفاقات دهه‌های نامبرده، عصر سیطره مگامال‌ها، مراکز فروش بزرگ و فروشگاه‌های زنجیره‌ای است که عرصه تثبیت ارزش بازنمایی است. در تهران دهه ۹۰، تعداد این مراکز به ۲۰ عدد رسیده است. مکان‌های مصرف در دهه ۹۰ محل اصلی حضور مردم در شهر تهران بوده است. طبق آمار سایت مجتمع کوروش، این مرکز در طول عید نوروز ۱۳۹۶، بیش از ۵۰۰ هزار بازدیدکننده داشته است. این آمار، به عبارتی روزی ۴۰ هزار نفر بوده است. این درحالی است که آثار تاریخی تهران در کل کمتر از «مجتمع کوروش» و «برج میلاد» حدود یک میلیون گردشگر-مشرتری داشته‌اند. بناهای تاریخی‌ای چون نیاوران، سعدآباد، کاخ گلستان، موزه ملی و موزه رضا عباسی، در همان ایام، روی هم رفته ۸۷۷ هزار و ۸۹۳ بازدید داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). ولع شهرداری برای صدور مجوز این مراکز چندمنظوره مصرفی، از حیث سود سرشار آن برای این سازمان بود که طبق اصل «خودکفایی» باید خود درآمدهای خود را تأمین می‌کرد. این مهمترین دلیل گران‌سازی تهران و تبدیل شدن آن با قلمرو بازار و الهیات آن بوده است.

این به معنای تغییر معنا و کنش گردشگر در شهر تهران است. معنای گردشگری پیشتر معادل بازدیدکننده از تاریخ و فرهنگ یک اجتماع تاریخی (ملت) بود. اما معنای گردشگری در مراکز خرید، به معنای مصرف‌کننده یا گردشگر-مشرتی است. گردشگر-مشرتی، بیش از آنکه متأثر از فرهنگ خاص یک اجتماعی تاریخی باشد، خریدار و مصرف‌کننده جهان مد است. او دیگر می‌توانست خانوادگی حضور پیدا کرده و از اتاق بازی کودک، فودکورت‌ها و رستوران‌ها و نیز آخرین برندهای روز دنیا استفاده کند. در تهران مال‌های دیگری نیز افتتاح شده یا در حال ساخت هستند که مجوز آن‌ها در دهه ۹۰ صادر شده است.

به لحاظ جغرافیایی مراکز تجاری- تفریحی تهران در مناطق مرفه‌نشین تهران بنا شده‌اند. این بدان معناست که این مناطق فرآیند رشد را از نظر جذب سرمایه و تبدیل شدن به مناطقی برای طبقات اقتصادی- فرهنگی متمایز، بیش از مناطق دیگر طی کرده‌اند. این مناطق، دارای هویتی متمایز در تهران و کل کشور شده‌اند که با سبک زندگی خود، از دیگر مناطق و شهرها جدا می‌شوند. ضمن اینکه با سبک زندگی خود و به نمایش گذاردن آن تبدیل گروه‌های مرجع و سبک زندگی ایده‌آل ایرانی شده‌اند. مروجان این ارزش‌ها در هیئت مبلغ این سبک زندگی، سلبریتی‌ها هستند. تصویر آنان در بلیوردها، آگهی‌های تلویزیونی و حضور آنان در دنیای مجازی تلاشی است برای تبلیغ سبک زندگی مصرفی شمال تهران- البته در اینجا شمال تهران، به معنای جغرافیایی آن نیست؛ بلکه به معنای انباشت سرمایه و سبک زندگی است.

سلبریتی‌ها نماد موفقیت فردی هستند. در این شیوه، از کلیشه‌ای از برجسته‌ترین ویژگی شخصیتی سلبریتی که برساخته رسانه‌ها برای توده مردم است، بهره برده می‌شود. آن‌ها از وجه اخلاقی- اجتماعی، در مقام گروه‌های مرجع قرار می‌گیرند. سبک زندگی آنان تقدس یافته است و تبدیل به الگوی دلخواه زندگی اجتماعی مردم می‌شود. بر همین اساس، شکست‌ها و موفقیت‌ها نه به موانع وضعیت اقتصادی- طبقاتی که به فردیت آنان گره می‌خورد. ضمن اینکه اهداف آنان به ایده‌آل اجتماعی و هدفی عام تبدیل می‌شود. سازوکار سلبریتی‌پروری با شکل‌دهی به ذهنیت اجتماعی از خلال تبلیغات و حضور در فضای اجتماعی، ابزار گردش و انباشت سرمایه در بخش مرفه اجتماعی را فراهم می‌سازد. در واقع سازوکار عمل سلبریتی‌ها سازوکار مصرفی شدن و شکل‌دهی به ناخودآگاه روپاردازی مردم براساس ارزش بازنمایی شده و متمایز از طریق مصرف هستند. خود سلبریتی‌ها از طریق حضور در تبلیغات و ترویج ارزش‌های مصرف، نیز درآمدی وافری از فضای شهری مصرفی تهران کسب می‌کنند.

درواقع این امر نوعی زیبایی‌شناسانه کردن و اخلاقی کردن جنسیت و سایر اشکال به حاشیه‌راندن و طرد است که فن تبلیغات به واسطه آن امور را دسترس‌پذیر می‌کند. درحالی که به دلیل موانع متفاوت اجتماعی، برای همگان دسترس‌ناپذیر است. اما پس از شکست، نه موانع اجتماعی که ویژگی‌های فردی و درونی است که محل مباحثه قرار می‌گیرد.

محوریت این تحولات «بدن» بوده است. تغییرات بدن، می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات فضای اجتماعی و سوژه فردی، چه به صورت عینی و چه به صورت ذهنی باشد. سلبریتی‌ها پیکره‌های انتزاعی بازنمایاننده این واقعه هستند. بدن آن‌ها، به واسطه ابزارهای مختلف نورپردازی، عکاسی و ریاضت‌های ورزشی و رژیم‌های غذایی تبدیلی به تیپ ایده‌آل انسان می‌شود. این تیپ ایده‌آل، مرجع

تقلید عاملان زندگی شهری است. از طرف دیگر سبک زندگی بازنمایی شدهٔ اینان در رسانه‌های مختلف، نیاز به تولید فضایی خاص را ضروری می‌سازد. از این‌روست که می‌توان گفت، درنهایت تبلیغات، سلبریتی‌ها و بدن‌مندی ایدهٔ اصلی فضای شهر تهران را در پراکسیس اجتماعی فعلیت می‌بخشند. این بدن، بدنی دنیوی شده^۱ است. چنین بدنی مرکز جراحات تازه‌ای است که در طول جریان‌سازی تبلیغاتی، ریشه‌های ایدئولوژیک خود را پنهان کرده و آن را تبدیل به امری فردی واجد انتخاب فردی کرده است. البته دنیوی شدن بدن، به معنای تهی شدن از معنا نیست. درواقع بدن به نحوی جدید و به واسطهٔ مصرف و پزشکی شدن معنامند می‌شود. این معنامندی حول مصرف و تولید نشانه‌های مصرفی برای بدن شکل می‌گیرد. این معنامندی می‌تواند از دلالت‌های ارزش‌های متعالی دینی نیز بهره‌مند شود. منتهی تفاوت آنجاست که رستگاری در مد به محض دسترسی از بین می‌رود. زیرا مد به محض استفاده از مد می‌افتد؛ درواقع «ازمداقتاده» یا «منسوخ»^۲ می‌شود. از این‌رو زیستن در جهان مد زیستن در وضعیت گناه ابدی این جهانی است. بر همین اساس است که فضا و زمان الهیات سرمایه دوزخی است. در این الهیات، همه‌چیز حول بدن فردی مفصل‌بندی می‌شود.

نتیجه‌گیری

«فضای شهری» هم تولیدی اجتماعی است که ریشه در کنش‌های اجتماعی و تقابل و تعامل نیروهای اجتماعی دارد و هم با تعیین یافتن و تاریخی شدن و رسوب یافتن، کنش‌های اجتماعی را شکل داده و فرایندهای فضایی را بازتولید می‌کند. لذا، فضا درعین اینکه نتیجه الگویی خاص از کنش و یا حتی الگویی خاص از تعامل نیروهای اجتماعی و نظم‌های نهادی است، خود نیز بدان‌ها شکل و جهت می‌دهد. به همین دلیل، مدل توسعه و به صورت ویژه مدل توسعهٔ شهری که منجر به تولید فضای اجتماعی شده و کنش‌ها و پویائی‌های اجتماعی را در جهت خاصی سامان می‌دهد، با گذشت زمان، مناسبات اجتماعی را در خود حک می‌کند و در اذهان و تعینات اجتماعی ریشه می‌دواند. به طوری که در برابر هر گونه تغییری مقاومت سرسختانه‌ای نشان می‌دهد و خود را همچون «شیء» «طبیعی» و ازلی و ابدی می‌نمایند. این عمل را نظم سیاسی حاکم بر تولید فضا در شیوه‌های تولید ممکن می‌سازد. یعنی هر شیوهٔ تولیدی در طول تاریخ خود می‌تواند نظم‌های سیاسی متفاوتی بپذیرد که ریشه در تقابل نیروهای حاضر در آن شیوهٔ تولید و تهدیدها و امکان‌های آن دارد. در حدود نیم قرن اخیر، نظم سیاسی حاکم بر شیوهٔ تولید سرمایه‌داری، نظم سیاسی نئولیبرال بوده

1. Secularized

2. De- mode

است که همانطور که مطرح شد ایران و مشخصاً تولید فضاهاى شهری در تهران سه دهه گذشته نیز عاری از این قائله نبوده است. نتیجه منطقی این فرآیند تولید فضاهاى شهری در تهران بوده که بجای تبدیل به الگوی کلانشهر ایرانی - اسلامی که ریشه در الهیات اسلامی دارد، به الهیات سرمایه انجامیده است.

از زمان هم‌آیی تحولات سیاست‌گذاری شهری در ایران و پیش از آن، قانون «خودکفایی شهرداری‌ها» در سال ۱۳۶۳ که جنگ آن را به تأخیر انداخته بود، در سال‌های پایانی دهه ۶۰ شمسی، تاکنون شهر تهران تبدیل به پایتخت مصرفی در ایران شده است، همواره امری به‌ظاهر متناقض رخ داده است که فقط مشروعیت نظم سیاسی نئولیبرالیستی آن‌ها را پوشانیده است و صرفاً نگرش انتقادی که منتقد اصلی کالایی‌سازی و اقتدارگرایی نهفته در این نظم است، توان تشخیص آن را می‌تواند داشته باشد. زیرا شی‌وارگی برای نگرش انتقادی، اصطلاحی صرفاً حاشیه‌ای نیست و ترمینولوژی‌ای فلسفی برای تحلیل حیات اجتماعی است (وروروت، ۲۰۲۰: ۲۷۱). آنچه در این دوران رخ داد، تداوم تحولات شهری ایران در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی بود. منتهی نظم سیاسی حاکم بر این دوران متفاوت است و مسأله از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که چگونه ایده الگوی شهر اسلامی - ایرانی بدل به بستر قلمروگستری سرمایه شده است.

توجه به اسناد کلان‌تر، مشخصاً سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و قواعد زبانی حاکم بر آن، می‌تواند موضوع را روشن‌تر سازد. در همین رابطه، حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی، عضو اندیشکده اقتصادی این سند، در یادداشتی با عنوان *الزامات تحقق سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت* به آسیب‌شناسی برنامه‌های تاکنون طراحی‌شده پرداخته و یکی از مهمترین آسیب‌ها فقدان برنامه اسلامی - ایرانی پیشرفت از سویی و چشم‌داشتن به غرب بوده است، درحالی‌که درهمانجا تأکید می‌کند که در بند ۷ علل اساسی این آسیب‌ها، تأکید می‌کند که «اقتصاد دولتی و بزرگ‌شدن دولت و کوچک‌شدن و ضعیف‌شدن بخش خصوصی و تعاونی» است (مصباحی، پایگاه خبری شلمچه، ۱۷ بهمن ۱۴۰۰). طبیعی‌شدن اصول نظم سیاسی نئولیبرال را در این اظهارات می‌توان تشخیص داد. درحالی‌که حتی خود بازار آزادگرایان ایرانی، اذعان دارند که با آغاز این سیاست‌ها در ایران، بزرگترین مسأله فقدان بخش خصوصی در ایران بوده است و در تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی که به اصل خصوصی‌سازی معروف شده است، بخش تعاونی به فراموشی سپرده شد. از قابلیت‌های نظم سیاسی حاکم، پوشش این تناقضات است.

در بند نخست چشم‌انداز توسعه شهری تهران آمده «تهران؛ شهری با اصالت و هویت ایرانی - اسلامی (شهری که برای رشد و تعالی انسان و حیات طیبه، سامان می‌یابد)». (طرح جامع شهر

تهران در سال ۱۳۸۶، ۱۳۹۴) این اصل از یکسو، توسعه شهری تهران را معطوف به «شهری با اصالت و هویت ایرانی- اسلامی» می‌داند که قرار است مکان «رشد و تعالی انسان و حیات طیبه باشد» و از سوی دیگر، در بند آخر رویای کلانشهری پرورده می‌شود که «عملکردهای ملی و جهانی» داشته و «اقتصادی مدرن» دارد. نشان داده شد که استراتژی این مهم، نوعی الگوی بازار آزادگرایانه است که از طریق مبانی آن، یعنی خصوصی‌سازی شهر و برون‌سپاری و تجاری‌سازی خدمات عمومی و رفاهی رخ خواهد داد. به لحاظ تکنیکی، شهر دانش‌بنیان و هوشمند و توریستی مدنظر قرار گرفته است. از سوی دیگر، اینجاست که قرابتی انتخابی میان سرمایه‌داری و الهیات شیعی رخ می‌دهد که تناقضات آن را سیطرهٔ نظم سیاسی نئولیبرال می‌پوشاند. این قرابت ناخودآگاه موجب تقدس‌بخشی به اصول بازار آزادگرایی شده است که به نظر شکلی از محافظه‌کاری است. زیرا این الهیات نیروی معنابخش و تقدس‌بخش خود را در خدمت قلمروگستری سرمایه و بازار در تمام ابعاد هستی اجتماعی قرار داده است. اینجاست که می‌توان مفهومی را از دل این قرابت استنتاج کرد که می‌توان **الهیات محافظه‌کار** نامید- در برابر الهیات رهایی‌بخش که در آمریکای جنوبی، در تقابل با منطق قلمروگستر سرمایه و به تبع آن بازار بود (لووی، ۲۰۰۵: ۲۹). روی دیگر سکهٔ این الهیات^۱، الهیات بازار است.

در این دوران با فوران مفهوم مدیریت مواجه هستیم. مفهوم چشم‌انداز در برنامه‌ریزی فضای شهری، آنچنان که مطرح شد، مبتنی بر رویکرد درهم‌تنیدهٔ الهیاتی- بازار آزادگرایانه است. نکتهٔ مهم این است که امید، اعتماد و توکل الهیاتی و مدیریت، همچون دو نیروی مخالف به قوای همدیگر شدت می‌بخشند تا پیکان قلمروگستری سرمایه را به پیش حول دهند.^۲ در نظم سیاسی نئولیبرالی،

۱. بنیامین هرچند در راستای استدلالی در محتوا متقابل، اما در فرم همسان با آنچه نگارندگان در اینجا مدنظر دارند، در نوشتار بسیار مهم و موجز *قطعهٔ الهیاتی- سیاسی* می‌نویسد: «اگر پیکانی معطوف به همان هدفی باشد که پویش دنیوی در راستای آن عمل می‌کند، و پیکانی دیگر نشانگر سمت‌وسوی فوران مسیحایی، آنگاه جستجوی بشر آزاد برای خوشبختی مسلماً در مسیری خلاف جهت مسیحایی جریان دارد. لیکن درست همانطور که یک نیرو می‌تواند، به واسطهٔ تأثیرش، نیروی دیگری را افزایش دهد که در جهت مخالف عمل می‌کند، به همین ترتیب نظام دنیوی نیز به واسطهٔ دنیوی‌بودنش به فرارسیدن ملکوت مسیحایی یاری می‌رساند.» (بنیامین، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰)

۲. علی‌رغم آگاهی نسبی به مناقشات وارد به کاربرد مفهوم الهیات در اسلام (پازوکی، ۱۳۹۰) و مشخصاً تشیع، اما مراد از محوریت قراردادن آن، حضور همواره موجود در محضر خدا و پرداختن به نسبت خدا با جهان است. از این نظر همهٔ ادیان اهل کتاب شباهت بسیار نزدیکی به هم دارند، هرچند خود علم الهیات در مسیحیت بسط و گسترش بی‌مثالی یافته است. (گالووی، ۱۳۹۶: ۶۱) از این نظر شباهت‌های بنیادی بین الهیات شیعی با دیگر ادیان اهل کتاب وجود دارد. به هر حال ویژگی اصلی این ادیان، گشودگی به جهان، خصوصاً جهان ماوراء، اعتماد و توکل بخدا و امید به آینده به واسطهٔ وعده‌های الهی است. درواقع الهیات نوعی چشم‌انداز و امید به رستگاری و رهایی است. از این نظر مدیریت در عصر نئولیبرال، وجه دنیوی‌شدهٔ همین ظرفیت الهیات است.

مدیریت علاوه بر نوعی تکنیک فعلیت‌بخش به آرمان‌های الهیات سرمایه، تجلی نظام اخلاقی آن نیز هست. به عبارت دیگر، بازار صرفاً مکان نیست، بلکه نوعی نظام اخلاقی نیز هست (مارتیکین، گوتیه‌ر و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۱). درواقع مدیریت، مجموعه تکنیک‌های اخلاقی برای نظم سیاسی نئولیبرال از حکومت دولت به حکمرانی مبتنی بر شبکه‌های مدیریتی است. این امر دقیقاً نتیجه منطقی واقعیت‌بخشی به آرمان‌های شیوه حکمرانی مبتنی بر نظم سیاسی نئولیبرال است (فوکو، ۱۳۹۱). محور این نظام اخلاقی، فرد است. این نظم سیاسی به لحاظ فلسفی پیشااجتماعی و غیرسیاسی است. پس اولویت آن نه عدالت و نه آزادی‌های اجتماعی است. آزادی در چشم‌انداز این نظم سیاسی، فردی است و براساس اصطلاحات اقتصادی فهمیده می‌شود و بازار یا سازوکار قیمت، نقشی محوری در تمام وجوه انتظام اجتماعی بازی می‌کند.

برهمن اساس، فضای شهر تهران فعلیت‌بخش الهیات سرمایه بوده است هرچند زبان الهیات شیعی نیز پیدا کرده است: کلانشهر الگوی ایرانی اسلامی، با تمام منظومه مفهومی رویت‌بخش آن مانند تعالی، رشد انسانی، حیات طیبه و... از این نظر توسعه آن مبتنی بر اصول نظم سیاسی نئولیبرالیسم بوده است: مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی، تجاری‌سازی، برون‌سپاری و... که حول محور تورم مفهوم «مدیریت شهری» یا «حکمرانی شهری» مفصل‌بندی شده است. در تمام این سه دهه، نظم سیاسی حاکم به نحوی بر نظام سیاستگذاری به‌طور کلی و سیاستگذاری شهری به‌طور خاص سیطره داشته است که تمام سیاستگذاران از دسته‌های فکری و حزبی متفاوت، به زبان آن سخن می‌گویند و در برنامه‌ریزی‌های متفاوت اصطلاحات یا ترمینولوژی آن را تکرار می‌کنند. حتی مذهبی‌ترین جریان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و روند فعلیت‌بخشیدن به الگوی کلانشهر ایرانی - اسلامی را از خلال مفاهیم آن توضیح می‌دادند.

همانطور که در ابتدا مطرح شد، این تحولات به‌طور منطقی شهر را بدل به فضای متابولیسم سرمایه کرده است و به‌قدری شی‌واره می‌نماید که در مقام نوعی طبیعت ثانوی تخطی‌ناپذیر می‌نماید. از این نظر تاکنون تفاوتی میان شهرداری زاکانی و کرباسچی نبوده است، حتی اگر در آغاز قرن جدید شمسی زاکانی تأیید کند که شهر تهران الگوی مناسبی برای کلانشهر ایرانی - اسلامی نیست. این فرآیند فقط در طول بیش از سه دهه اخیر تکوین پیدا کرده است. این نسبت، نسبتی «انگل‌وار» بوده است (آگامبن، ۱۴۰۰) که در طی آن، مناسبات بازار برای نهادینه‌شدن در فرهنگ اجتماعی خاص، در اینجا جامعه ایرانی از قواعد ارزشی معنابخش آن استفاده می‌کنند. مهمترین قواعد معنابخش در جامعه ایرانی، «الهیات شیعی» است - که در اینجا آن را محافظه‌کار دانسته‌ایم. نظم سیاسی نئولیبرال این قرابت را ممکن کرده است. نظم سیاسی، استراتژی‌های مدیریتی و حکمرانی را

هدایت می‌کند. از این‌روست که بخشی از این نسبت انگل‌وار در گفتمان مدیریتی مدیرانی پیکربندی می‌شود که مدعی شیوه مدیریتی دینی هستند. نمونه‌هایی از آن را در اینجا مطرح کردیم. درواقع استراتژی‌ها میانجی‌های اصلی فعلیت الهیات بازار هستند که همواره نسبت انگل‌وار خود را با الهیات محافظه‌کار شیعی حفظ کرده است و از آن به‌عنوان میزبانی تغذیه‌کننده و حیات‌بخش - شما بخوانید معنابخش یا دقیق‌تر تقدس‌بخش به این معنا که نمی‌توان در حقیقت آن چندوچون کرد- استفاده کرده است.

این نظم سیاسی، اولویت‌هایی دارد که هرگز معطوف به ارزش‌هایی غایی چون آزادی و عدالت اجتماعی نخواهد بود تا بتواند فقر، نابرابری و بدن‌های حاشیه‌شده را نجات دهد. بنیامین به همین دلیل است که زمان و فضای سرمایه‌داری را «جهنمی» می‌داند (بنیامین به نقل از باکمورس، ۱۹۸۹). اولویت این نظم سیاسی، گسترش دهلیزهای مصرف برای گردش و در نتیجه انباشت سرمایه است، نه رفع فقر و ایجاد برابری‌های اجتماعی. این امر اصلاً نتیجه منطقی سیطره نظم مذکور است؛ زیرا بنیان‌گذاران آن، به‌روشنی اذعان دارند که بنیان آن «قانون طبیعت» است در آن عدالت اجتماعی، نوعی سراب است و هرگونه گام‌نهادن در راستای عدالت اجتماعی، منجر به تخطی به حقوق فردی می‌شود. دولت فقط باید از حقوق فردی دفاع کند (هایک ۲، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۵۱). روی دیگر این سکه، «بقای اصلح» است.

منابع

- آگامبن، جورجو (۱۴۰۰) *آفرینش و آنارشی: اثر هنری و دین سرمایه‌داری*، ترجمه هومن کاسبی، تهران: لگا
- اباذری، یوسفعلی و حمیدرضا پرنیان (۱۳۹۴) استقرار آموزشی مکتب نیاوران، تاریخچه ایجاد نهادهای دولتی آموزش مدیریت و اقتصاد بازار آزاد، *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، دوره ۲۲، شماره ۲
- باشلار، گاستون (۱۳۸۵) *بوطیقای فضا*، ترجمه مریم کمالی و محمد شیربچه، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- بنیامین، والتر (۱۳۹۵) *زبان و تجربه*، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: هرمس
- بیات، آسف (۱۳۹۱) *سیاست‌های خیابانی (جنبش تهی‌دستان در ایران)*، ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: پردیس دانش
- پازوکی، شهرام و دیگران (۱۳۹۰) *الهیات جدید (مجموعه مقالات)*، ارغنون، شماره ۵ و ۶، تهران: سازمان چاپ و انتشار
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷) *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر)*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ستاری جلال (۱۳۸۵) *اسطوره تهران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- راغفر و دیگران (۱۳۹۰) روند نابرابری در هزینه کالاهای منتخب سبد مصرف خانوارهای تهرانی در دوره زمانی ۸۴-۸۶، *رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، بهار، شماره ۴۰
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲ [۱۳۷۶]) *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن*، تهران: شرکت سهامی انتشار
- ریکور، پل (۱۳۹۴) *ایدئولوژی، اخلاق، سیاست*، ترجمه مجید اخگر، تهران: نشر چشمه
- کاظمی، عباس (۱۳۹۵) *امر روزمره در جامعه پسا/انقلابی*، تهران: فرهنگ جاوید
- کلانتری، عبدالحسین و علی وفقی (۱۳۹۴) تهران؛ شهر جهانی یا ام‌القرای جهان اسلام، *اولین کنفرانس جهانی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*.
- گالووی، آلن (۱۳۹۶) *پان‌برگ: الهیات تاریخی*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: نشر بیدگل
- فوکو، میشل (۱۳۹۱) *تولد زیست‌سیاست: درس‌گفتارهای کثر دو فرانس*، ۱۹۷۸-۱۹۷۹، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نشر نی
- قاسمی، کیمیا و همکاران (۱۳۹۸) *ارایه الگوی برنامه‌ریزی کالبدی شهر ایرانی اسلامی برای پاسخ به نیازهای انسان از منظر اسلام، نقش جهان*، سال نهم، شماره ۳
- عشریه، روح‌الله و همکاران (۱۳۹۹) *الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه ملاصدرا، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، دوره ۸، شماره ۱

مارکس، رابرت بی. (۱۳۹۹) *خاستگاه‌های جهان مدرن: روایتی درباره تاریخ جهان و محیط زیست (از قرن نوزدهم تا قرن بیست و یکم)*، ترجمه سعید مقدم، تهران: مرکز

مارکس، کارل (۱۳۸۷) *دست‌نوشته‌های اقتصادی- فلسفی ۱۸۴۴*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه

مارکس، کارل (۱۳۸۶) *سرمایه (جلد یکم)*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه

مبینی، محمد (۱۳۹۵) *طراحی الگوی اسلامی - ایرانی مدیریت جهادی در راستای عینیت بخشی ام‌القرای جهان اسلام*، نشریه علمی مدیریت اسلامی، زمستان، دوره ۹۴، شماره پیاپی ۴، صص ۱۳۷-۱۶۰

هاروی، دیوید (۱۳۹۱) *تاریخ مختصر نتولیب‌الایسم*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: اختران

هایک، فردریش فون (۱۳۹۲) *قانون، قانون‌گذاری، آزادی: قواعد نظم بازار ۱ (گزارشی جدید از اصول آزادی‌خواهانه عدالت و اقتصاد سیاسی)*، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران: دنیای اقتصاد

هایک، فردریش فون (۱۳۹۲) *قانون، قانون‌گذاری، آزادی: سراب عدالت ۲ (گزارشی جدید از اصول آزادی‌خواهانه عدالت و اقتصاد سیاسی)*، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران: دنیای اقتصاد

اسناد و گزارش‌ها

اداره کل کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری تهران (۱۳۸۰) *تخلفات ساختمانی در تهران: ویژگی‌ها و علل*، تهران: ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۳

شهرداری تهران (۱۳۷۳) *اطلاعات ممیزی املاک مرحله دوم شهر تهران تا تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۷*

شهرداری تهران (۱۳۷۵) *اطلاعات ممیزی املاک مرحله سوم شهر تهران تا تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۶*

شهرداری تهران (۱۳۸۱) *اطلاعات ممیزی املاک مرحله چهارم شهر تهران تا تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱۴*

شهرداری تهران (۱۳۷۱) *کارنامه آماری سال ۱۳۷۰*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۷۶) *کارنامه آماری سال ۱۳۷۵*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۸۰) *کارنامه آماری سال ۱۳۷۹*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۸۱) *کارنامه آماری سال ۱۳۸۰*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۸۶) *کارنامه آماری سال ۱۳۸۵*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۹۰) *کارنامه آماری سال ۱۳۸۹*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۹۱) *کارنامه آماری سال ۱۳۹۰*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۹۴) *طرح جامع تهران در سال ۱۳۸۶*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۳۹۶) *کارنامه آماری سال ۱۳۹۵*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

شهرداری تهران (۱۴۰۰) *سند تهران کلانشهر الگوی جهان اسلام ۱۴۰۰-۱۴۰۴*، دسترس‌پذیر در سایت شهرداری تهران

فرمانفرمایان عبدالعزیز و موسسه ویکتور گروئن و مهندسين مشاور (۱۳۴۸) *برنامه جامع شهر تهران، تهران: شهرداری تهران و شورای عالی شهرسازی تهران*

معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران (۱۳۸۲) *گزارش‌های تلفیقی طرح بررسی مسائل توسعه مناطق شهر تهران: مطالعات کاربری اراضی*

معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران (۱۳۸۸) *بازنگری و اصلاح چگونگی جلوگیری از خلاف‌های ساختمانی و رسیدگی به آن‌ها: گزارش چارچوب‌های کلی و تعیین اهداف*

مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران (۱۳۸۰) *آمار جمعیت، مساحت، تعداد ناحیه و محلات شهر تهران*

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) *سالنامه آماری ایران در سال ۱۳۸۵*، دسترس پذیر در سایت آمار ایران

مرکز آمار ایران (۱۳۹۶) *سالنامه آماری ایران در سال ۱۳۹۵*، دسترس پذیر در سایت آمار ایران

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۵۸) *لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، دسترس پذیر در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس*

- Abazari, Yousofali and Hamidreza Parnian (2015). The Establishment of the Niavaran Educational School: A History of Founding State Institutions for Teaching Management and Free Market Economics, *Journal of Sociological Studies (Name-ye Olum-e Ejtemai)*, Vol. 22, No. 2. (In Persian)
- Agamben, Giorgio (2021). *Creation and Anarchy: The Work of Art and the Religion of Capitalism*, Translated by Hooman Kasbi, Tehran: Lega. (In Persian)
- Ashriyeh, R. et al. (2021). The Ideal Iranian-Islamic City Model in Mulla Sadra's Thought, *Scientific Quarterly of Islamic-Iranian Model of Progress*, Vol. 8, No. 1. (In Persian)
- Bachelard, G. (2006). *The Poetics of Space*, Translated by Maryam Kamali and Mohammad Shirbacheh, Tehran: Roshangaran and Women's Studies Publications. (In Persian)
- Bayat, Asef (2013). *Street Politics: The Poor People's Movement in Iran*, Translated by Seyed Asadollah Nabavi Chashmi, Tehran: Pardis-e Danesh. (In Persian)
- Benjamin, Walter (2016). *Language and Experience*, Translated by Morad Farhadpour and Omid Mehrgan, Tehran: Hermes. (In Persian)
- Buck- Morss, S. (1989) *Dialectic of seeing (Walter Benjamin and Arcades project)*, London: The MIT Press.
- Deputy of Urban Planning and Architecture of Tehran Municipality (2003). *Integrated Reports of the Study on Development Issues in Tehran's Districts: Land Use Studies*. (In Persian)

- Deputy of Urban Planning and Architecture of Tehran Municipality (2009). *Revision and Amendment of the Procedures for Preventing and Addressing Building Violations: General Frameworks and Objectives Report*. (In Persian)
- Farmanfarmaian, A., et al (1969). *Comprehensive Plan for Tehran*, Tehran: Tehran Municipality and Supreme Council of Urban Planning. (In Persian)
- Foucault, M. (2012). *The Birth of Biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978-1979*, Translated by Reza Najafzadeh, Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Friedlander, E. (2012) *Walter Benjamin: a philosophical portrait*, Cambridge, Massachusetts: Harvard University press
- Gauthier, F., et al (2013) *Religion in Consumer Society: Brands, Consumers and Markets*, Edited by Francios Gauthier & Tuomas Martikainen, Farnham: Ashgate Publishing Company
- General Administration of Article 100 Commissions of Tehran Municipality (2001). *Building Violations in Tehran: Characteristics and Causes*, Tehran: Municipalities Monthly, No. 33. (In Persian)
- Gerstle, G. (2022) *The Rise and Fall of the Neoliberal Order: America and the World in the Free Market Era*, New York: Oxford University Press.
- Ghasemi, Kimia et al. (2020). Presenting a Physical Planning Model for the Iranian-Islamic City to Address Human Needs from an Islamic Perspective, *Naghsh-e Jahan*, 9th Year, No. 3. (In Persian)
- Gunder Frank, A. (1998) *ReORIENT: Global Economy in the Asian Age*, London: University of California Press
- Habibi, Seyed Mohsen (2009). *From "Shar" to City: A Historical Analysis of the Concept of the City and Its Physical Form*, Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Harvey, D. (2012). *A Brief History of Neoliberalism*, Translated by Mahmoud Abdollahzadeh, Tehran: Akhtaran. (In Persian)
- Hayek, F. V. (2013 A). *Law, Legislation and Liberty, Vol. 1: Rules and Order*, Translated by Mahshid Moiri and Mousa Ghaninejad, Tehran: Donya-ye Eqtesad. (In Persian)
- Hayek, F. V. (2013 B). *Law, Legislation and Liberty, Vol. 2: The Mirage of Social Justice*, Translated by Mahshid Moiri and Mousa Ghaninejad, Tehran: Donya-ye Eqtesad. (In Persian)
- Kalantari, A., & Vafghi, V. (2015). Tehran; Global City or Umm al-Qura of the Islamic World, *The First World Conference on Social Sciences and Sociology*. (In Persian)

- Kazemi, A. (2014). *The Everyday in Post-Revolutionary Society*, Tehran: Farhang-e Javid. (In Persian)
- Lefebvre, H. (1991) *The Production of Space*, translated by Donald Nicholson-Smith, Basil: Blackwell published
- Lefebvre, H. (2000) *Writings on cities*, translated by Kofman, E., & Lebas, E. Massachusetts: Blackwell
- Lefebvre, H. (2009) *State, Space, world (selected essays)*, translated by Gerald Moore, N. B., & Elden, S edited by Brenner, N., & Elden, S., London: University of Minnesota Press
- Lowy, M. (2005) *Fire Alarm: Reading Walter Benjamin's "On the Concept of History"*, Translated by Chris Turner, London: Verso
- Mabini, M. (2016). Designing an Islamic-Iranian Model of Jihadi Management for Realizing the Umm al-Qura of the Islamic World, *Journal of Islamic Management*, Winter, Vol. 94, No. 4, pp. 137-160. (In Persian)
- Martikainen, T., et al (2013) *Religion in Neoliberal Age: Political Economy and Modes of Governance*, Edited by Gauthier, F & Martikainen, T., Farnham: Ashgate Publishing Company
- Marx, K (1970) *Critique of Hegel's philosophy of right*, translated by Joseph O'Malley, London: Oxford university press
- Marks, R. B. (2019). *The Origins of the Modern World: A Global and Environmental Narrative from the Nineteenth to the Twenty-First Century*, Translated by Saeed Moghadam, Tehran: Markaz. (In Persian)
- Marx, K. (2008). *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*, Translated by Hasan Mortazavi, Tehran: Agah. (In Persian)
- Marx, K. (2007). *Capital: A Critique of Political Economy, Volume One*, Translated by Hasan Mortazavi, Tehran: Agah. (In Persian)
- Parliament Research Center (1979). *Legislative Bill Amending the Notes of Article 100 of the Municipal Law*, Available at the Parliament Research Center website. (In Persian)
- Pazouki, Shahram et al. (2012). The New Theology (Collection of Articles), *Arghanun*, Nos. 5 & 6, Tehran: Sazman-e Chap va Entesharat. (In Persian)
- Rafipour, Faramerz (2013). *Development and Contradiction: An Effort to Analyze the Islamic Revolution and Its Social Issues*, Tehran: Sherkat-e Sahami-e Enteshar. (In Persian)
- Raghefar et al. (2011). The Trend of Inequality in Expenditure on Selected Goods in the Consumption Basket of Tehran Households During 2005-2007, *Social Welfare*, 11th Year, No. 40, Spring. (In Persian)

- Ricoeur, P. (2015). *Ideology, Ethics, Politics*, Translated by Majid Akhgar, Tehran: Nashr-e Cheshmeh. (In Persian)
- Sattari, J. (2005). *The Myth of Tehran*, Tehran: Daftar-e Pazhuhesh-ha-ye Farhangi. (In Persian)
- Statistical Center of Iran (2006). *Statistical Yearbook of Iran for the Year 1385*, Available at the Iran Statistics website. (In Persian)
- Statistical Center of Iran (2017). *Statistical Yearbook of Iran for the Year 1395*, Available at the Iran Statistics website. (In Persian)
- Tehran Geographic Information Center (2001). *Statistics on Population, Area, Number of Districts, and Neighborhoods of Tehran*. (In Persian)
- Tehran Municipality (1994). *Phase Two Property Audit Data of Tehran City up to 27/11/1373*. (In Persian)
- Tehran Municipality (1996). *Phase Three Property Audit Data of Tehran City up to 16/12/1375*. (In Persian)
- Tehran Municipality (2002). *Phase Four Property Audit Data of Tehran City up to 14/1/1381*. (In Persian)
- Tehran Municipality (1992). *Statistical Report of the Year 1370*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (1997). *Statistical Report of the Year 1375*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2001). *Statistical Report of the Year 1379*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2002). *Statistical Report of the Year 1380*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2007). *Statistical Report of the Year 1385*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2011). *Statistical Report of the Year 1389*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2012). *Statistical Report of the Year 1390*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2015). *The Comprehensive Plan of Tehran in 2007*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2017). *Statistical Report of the Year 1395*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Tehran Municipality (2021). *Tehran Metropolis: The Model City of the Islamic World Document 2021-2025*, Available at Tehran Municipality website. (In Persian)
- Vervort, Tivadar (2020) *Reification and Neoliberalism: Is There an Alternative? In Confronting Reification: Revitalizing Georg Lukacs's*

Thought in Late Capitalism, Edited by Gregory R. Smulewics- Zucker,
Boston: Brill